



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 3

ענין חנוכה

موضوع حنوكا



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/3

1 ענין חנוכה. הנה קבעו הנס בנרות. משא"כ בשאר נסים בפסח ביציאת מצרים תאכלו מצות בפורים ימי משתה ושמחה כנגד הגלות שהיה ג"כ גופני במצרים בחומר ובלבנים ובימי המן בקש להשמיד כו' ושללם לבוז

موضوعِ حنوكا (חנוכה, Chanukah). اکنون، [حکیمان] [یادبود] معجزه را با چراغها مقرر کردند. اما چنین نیست در مورد معجزه‌های دیگر: در عیدِ پَسَح (פסח, Pesach)، [به یادبود] خروج از مصر، «نان‌های فطیر (מצות, matzos) بخورید»؛ در پوریم (פורים, Purim)، «روزهای بزم و شادی» – متناسب با تبعیدی که آن نیز جسمانی بود: در مصر، «با گل و آجر»؛ و در روزگار هامان، او خواست «نابود کند...» و «اموالشان را به تاراج ببرد».

משא"כ בחנוכה שהיו ישראל שרויים על אדמתם ולא גלו מארצם רק גלות התורה להשכיחם תורתך ולהעבירם חוקי רצונך לפיכך קבעו בנרות על שם הפסוק (משלי ו) כי נר מצוה ותורה אור ודרך חיים תוכחות מוסר.

اما در حנוכה، اسرائیل در سرزمین خود ساکن بود و از کشورش تبعید نشده بود؛ تنها تبعیدِ تورا (תורה, Torah) بود: «تا تواریت را از یادشان ببرند و آنان را از احکام اراده‌ات سربیش کنند.» ازاین‌رو [حکیمان] [یادبود را] با چراغها مقرر کردند، به مناسبتِ آیهٔ (משלי 6): «زیرا فرمانِ دینی (מצוה, mitzvah) چراغ است و تورا نور، و سرزنش‌های پندآموز راهِ زندگی است.»

ולהבין ענין פסוק זה וגם סיפא דקרא דכתיב ודרך חיים וגו'. צריך ביאור איזה דרך חיים הוא מלבד התורה והמצות האמורה למעלה בפסוק.

و [باید] معنای این آیه و نیز بخش پایانی آن را دریابیم؛ آنجا که نوشته شده است: «و راهِ زندگی...» این مطلب نیازمند توضیح است: جز تورا و فرمان‌های دینی (מצות, mitzvos) که پیش‌تر در آیه آمده‌اند، چه «راهِ زندگی» دیگری وجود دارد؟

2 והענין כי מה שהמשיל המצוה לנר והתורה לאור הוא מובן שכמו שהנר נקרא על שם השמן כלשון רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] נר של שמן נר של שעה.

توضیح این است: اینکه [آیه] فرمان (מצוה, mitzvah) را به چراغ و تورات (תורה, Torah) را به نور تشبیه می‌کند، روشن است؛ همان‌گونه که چراغ را به نام روغنش می‌خوانند، چنان‌که در زبان حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته می‌شود: «چراغِ روغنی، چراغِ مومی».

הנה אע"פ [אף על פי] שהשמן אין בו אור מצד עצמו ואדרבה הוא מכבה את אור הנופל לתוכו מ"מ ממנו ועל ידו נמשך להב שלהבת האור הנאחז בפתילה במעט שמן הנמשך אחר הפתילה

پس، با آنکه روغن خود نوری ندارد و برعکس، نوری را که در آن بیفتد خاموش می‌کند، باین‌همه، شعله نور از آن و به‌واسطه آن کشیده می‌شود؛ شعله‌ای که بر فتیله می‌گیرد و اندک روغنی که در پی فتیله بالا کشیده می‌شود آن را تغذیه می‌کند.

שהרי בכלות השמן נכבה האור.

زیرا چون روغن تمام شود، نور خاموش می‌شود.

ככה ממש היא המצוה הגם שהוא רצון המלך בלי שום טעם ודעת ואין בה שום השגה מ"מ ממנה ועל ידה נמשך ונתגלה אור החכמה

فرمان نیز دقیقاً چنین است: هرچند خواست پادشاه است، بی‌هیچ دلیل و فهمی، و هیچ ادراکی در آن نیست، باین‌همه، نور حکمت (חכמה, Chochmah) از آن و به‌واسطه آن نازل و آشکار می‌شود.

זו תורה שבע"פ [שבעל פה] דאורייתא מחכמה נפקת והחכמה והבנה בתורה שבעל פה הוא רק להבין ולהשיג פי' וטעם המצות כל מסכת לפי ענינה.

این همان تورات شفاهی است، زیرا «تورات از **חכמה** سرچشمه می‌گیرد»؛ و حکمت و فهم در تورات شفاهی تنها برای فهمیدن و دریافتن شرح و دلیل فرامین (**מצוות**, mitzvos) است، هر رساله برحسب موضوع خود.

וביאור ענין זה דרך פרט בעבודת ה'.

و [اکنون] شرح این موضوع به‌تفصیل، در خدمتِ ه'.

הנה כתיב (שמות ל) בבקר בבקר בהטיבו את הנרות יקטירנה ובהעלות אהרן את הנרות בין הערבים יקטירנה. ולהבין למה גבי בבוקר כתיב בהטיבו ובבין הערבים בהעלות.

اکنون نوشته شده است (خروج ۳۰): «هر صبح، هنگام رسیدگی او به چراغ‌ها (בהטיבו, be-heitivo), آن را [بخور را] بسوزاند؛ و هنگامی که هارون (אהרן) چراغ‌ها را هنگام غروب برافروزد (בהעלות, be-haalos), آن را بسوزاند.» باید دریابیم چرا درباره صبح گفته شده است «هنگام رسیدگی»، و درباره غروب «هنگام برافروختن».

הנה כנסת ישראל מקור נשמות ישראל נקרא' [נקראת] בשם מנורה והיא מקשה שכל ישראל הם באחדות והיא מתחלקת לשבעה נרות.

אکنون جماعت اسرائیل، سرچشمهٔ جان‌های اسرائیل، به نام شمعدان (מנורה, Menorah) خوانده می‌شود. این شمعدان از یکپارچه‌ای چکش‌خورده [ساخته شده] است، زیرا همهٔ اسرائیل در یگانگی‌اند، و به هفت چراغ تقسیم می‌شود.

כי דרך פרט יש ששים רבוא נצוצו' כללי' שכל ניצוץ מתחלק לששים רבוא נצוצות פרטיות כמבואר בתניא ודרך כלל נכללו בשבעים נפש שירדו אבותינו למצרים.

زیرا از حیث جزئی، ششصد هزار جرقة کلی وجود دارد که هر جرقة به ششصد هزار جرقة جزئی تقسیم می‌شود، چنان‌که در **تניא (تניא)** توضیح داده شده است؛ و از حیث کلی، این جرقه‌ها در هفتاد نفسی جای دارند که نیاکان ما همراه با آن‌ها به مصر فرود آمدند.

3 وכלל מן הכלל נק' בשם שבעה נרות דהנה אהרן שושבינא דמטרוניתא הוא אהרן כהן לאל עליון משבע' רועים המפרנסים ומשפיעים אלהותו ית' בכנסת ישראל שיאירו באור האהבה להתלהט אליו ית'

و کلی‌ترین [تقسیم] از کلیت، «هفت چراغ» نامیده می‌شود. زیرا هارون (אהרן)، «مشایعت‌گر ملکه (مטروניתا, Matronita)»، «هارون، کاهنِ **אל עליון**» است؛ یکی از هفت شبنانی که پرورش می‌دهند و الوهیت او، که متبارک است، را به جماعتِ اسرائیل افزای می‌کنند، تا با نورِ عشق بدرخشند و به سوی او، که متبارک است، شعله‌ور شوند،

בכלות הנפש כשלהבת העולה מאליה ולקיים מצות ואהבת שמקבלים עליהם בק"ש [בקריאת שמע] שיהי' [שיהיה] כך באמת לאמתו תקוע בלב כל אחד ואחד מישראל שהאדם מצד עצמו מאחר שהוא מגושם ומלובש בענינים גשמיים לא היה יכול לולי הקב"ה עוזרו.

با پایان‌گرفتنِ جان (כלות הנפש, kelos ha-nefesh)، همچون شعله‌ای که خودبه‌خود برمی‌خیزد؛ و برای به‌جا آوردنِ فرمان (מצוה, mitzvah) «و دوست بدار» که آنان در **שְׁמָא (ק"ש, Shema)** بر خود می‌پذیرند، تا این امر به‌راستی و در نهایتِ حقیقت چنین باشد و در دلِ هر یک از اسرائیل استوار گردد. زیرا انسان، از آنجا که خود جسمانی است و در امور جسمانی پوشیده شده، به‌تنهایی نمی‌توانست [چنین کند]، اگر قدوسِ متبارک (קב"ה / **קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu**) یاری‌اش نمی‌کرد.

4 והעזר הוא אהבה הבאה מלמעלה להמשיכו אליו. וזהו בחי' בהעלות ובהטיבו. כי הנה אמרו רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] אע"פ [אף על פי] שהאש יורד מן השמי' מצוה להביא מן ההדיוט.

ו יארי, عشقی است که از بالا می آید تا او را به سوی او جذب کند. این همان مرتبة «هنگامی که می افروزد» و «هنگامی که به آن رسیدگی می کند» است. زیرا حکیمان ما، که یادشان به برکت باد، گفتند: «با آنکه آتش از آسمان فرود می آید، آوردن [آتش] از [منبعی] عادی، فرمان دینی (מצוה, mitzvah) است.»

פי' הדיוט הוא האהבה שאדם לוקח מחמת העולמות מבחי' מלכותו ית' שהוא מלך גדול ונורא על כל העולמות עליונים ותחתונים

توضیح: «عادی» [آتش] عشقی است که شخص به سبب عوالم، از مرتبة فرمانروایی (ملכות, Malchus) او، که متبارک است، به دست می آورد؛ یعنی او پادشاهی بزرگ و پرهیبت بر همه عوالم بالا و پایین است.

וכל צבא השמים לך משתחיים ואלף אלפין ורבו רבבן קדמוהי כו' כמבואר בגמרא ובזוהר בביאור ענין רבוי העולמות וגדולתו.

و «همه سپاه آسمان برای تو سجده می کنند» و «هزار هزار [او را خدمت می کنند] و ده هزار بار ده هزار [در پیشگاه او می ایستند]...»؛ چنان که در گمارا (גמרא) و زوהار (זהר)، در توضیح کثرت عوالم و عظمت او، شرح داده شده است.

5 וע"ד זה תקנו חז"ל [חכמינו זכרונם לברכה] לומר בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] לפני ואהבת. כי הנה אנו אומרים יחיד חי העולמים מלך משובח ומפואר עדי עד שמו הגדול כו'. פי' יחיד הוא למעלה מבחי' אחד.

بر همین اساس، حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، مقرر کردند که پیش از «و دوست بدار»، گفته شود: «مبارک باد نام جلال فرمانروایی او، تا ابدالآباد.» زیرا ما می گوئیم: «یگانه، حیات عوالم، پادشاه؛ نام بزرگش تا ابدالآباد ستوده و پر جلال است...» توضیح: «یگانه» (יחיד, Yachid) برتر از مرتبة «یکی» (אחד, Echad) است.

כי אחד היינו כמאמר רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] שהוא אחד בשמים ובארץ ובד' רוחות העולם כי כל העולמות עליוני' [עליונים] אינם תופסים מקום להיות יש ודבר נפרד בפני עצמם וכולא קמי' [קמיה] כלא וכאין נגדו חשיבי ממש ואין עוד מלבדו.

زیرا «یکی» یعنی، چنان که حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته اند، او در آسمان و زمین و در چهار جهت جهان یکی است؛ زیرا همه عوالم برتر جایی [از آن خود] اشغال نمی کنند که موجودیتی و چیزی جداگانه و مستقل به شمار آیند؛ و «همه در پیشگاه او همچون هیچ اند» و در برابر او حقیقتاً هیچ به شمار می آیند؛ و جز او هیچ چیز دیگری نیست.

לכן נקרא אחד והיינו כשמעריכין אותו נגד העולמות. אבל יחיד פי' הוא יחיד ומיוחד בפני עצמו והוא לבדו הוא ואינו בגדר העולמות כלל.

ازاین رو «یکی» خوانده می‌شود؛ یعنی هنگامی که او را در نسبت با عوالم می‌سنجند. اما «یگانه» یعنی او در خویشتن یگانه و بی‌همتاست؛ تنها اوست و اساساً در مقوله عوالم نمی‌گنجد.

6 וחי העולמים מלך פי' שכל חיות העולמות שמחיה את כולם ומהוה את כולם עליונים ותחתונים אינו אלא בשביל שהוא מלך וכולם מקבלים חיות מבחי' מלכותו ית' בעבור היותו מלך עליהם.

و «حياتِ عوالم، پادشاه» یعنی تمام نیروی حیاتی عوالم، که به واسطه آن به همه آن‌ها حیات می‌بخشد و همه‌شان را، عوالم برتر و فروتر، به وجود می‌آورد، تنها از آن روست که او پادشاه است؛ و همه از مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) او، که متبارک باد، نیروی حیات می‌گیرند، زیرا او بر آن‌ها پادشاهی می‌کند.

וכן מה שמשובח ומפואר דהיינו השבח מחמת שמשיגים גדולתו הוא עדי עד כי לגדולתו אין חקר ולמעלה יש שבח אחר שבח ועילוי אחר עילוי עד אין קץ ואין תכלית והכל הוא בעבור שמו הגדול

همچنین، اینکه او «ستوده و جلال یافته» است – یعنی ستایشی [که از آن روست که] بزرگی او را درک می‌کنند – «تا ابدالابد» است، زیرا «بزرگی او را نمی‌توان به ژرفا دریافت»؛ و در عوالم برتر، ستایشی پس از ستایش و رفعتی پس از رفعت هست، بی‌پایان و بی‌حد؛ و همه این‌ها به سبب «نام بزرگ او» است.

כי להיות נקרא שמו ומלכותו עליהם בלבד הוא ואינו יכול לנגוע לבחי' עצמותו ומהותו כלל

زیرا همه این‌ها تنها برای آن است که نام و فرمانروایی او بر آن‌ها خوانده شود؛ و این امر به هیچ وجه نمی‌تواند به مرتبه ذات و حقیقت او برسد،

כי לית מחשב' תפיס' [תפיסא] ב'י' [ביה] כלל שהוא יחיד ומיוחד ונשגב שמו לבדו כדכתיב מלכותך מלכות כל עולמים.

زیرا «هیچ اندیشه‌ای اصلاً به او دست نمی‌یابد»، چراکه او یگانه و یکتا است و «تنها نام او رفعت یافته است»، چنان‌که نوشته شده است: «فرمانروایی تو فرمانروایی همه عوالم است».

7 וזהו במקום שאתה מוצא גדולתו שם אתה מוצא ענותנותו. כדכתיב המשפילי לראות בשמים ובארץ שאצלו ית' נחשב זאת להשפלה ולענוה להחיות רוח שפלים.

این همان [معنای] سخن «در جایی که عظمت او را می‌یابی، همان‌جا فروتنی‌اش را می‌یابی» است؛ چنان‌که نوشته شده است: «کسی که خود را فرومی‌آورد تا به آسمان‌ها و زمین بنگرد»؛ زیرا نزد او، که متبارک است، این فروتنی و فرودآمدن به‌شمار می‌آید: «تا روح فرودستان را زنده سازد».

וכן מה שכתוב סומך נופלים ורופא חולים וזוקף כפופים וכל הממלכה נקרא בשם ארץ להיות כארץ הלזו השפלה שירדה ממקום כבודה להיות מלך שמו נקרא.

همچنین آنچه نوشته شده است: «افتادگان را تکیه‌گاه است، بیماران را شفا می‌دهد و خمیدگان را راست می‌کند». و تمام [مرتبه] فرمانروایی با نام «زمین» خوانده می‌شود، زیرا مانند این زمین فرودست است: از جایگاه جلالش فرود آمده است تا او به نام «پادشاه» خوانده شود.

8 ולכן זאת יבין כל יציר בשומו אל לבו וירחיב דעתו בגדולתו ית' ונפלאות מעשיו ברבוי העולמות עד אין חקר הנה ישכיל שזהו ענותנותו ית' ואין ערוך אליו שאינו בגדר עלמין כלל.

پس هر آفریده‌ای این را درمی‌یابد: هنگامی که عظمت او، که متبارک است، و شگفتی‌های کارهایش را در انبوه عوالم بی‌کران به دل آورد و اندیشه‌اش را گسترش دهد، درمی‌یابد که این، فروتنی اوست، که متبارک است؛ و هیچ‌چیز با او قابل مقایسه نیست، زیرا او اصلاً در مقوله عوالم نمی‌گنجد.

9 והוא השוה ומשוה קטן וגדול ממילא תתלהט ותתלהב נפש ולב לאור באור האהבה בכל נפשך ממש לצאת מגדר העולמות כמ"ש מי לי בשמים ועמד לא חפצתי בארץ כלה שארי ולבבי.

و او همان است که برابر است و کوچک و بزرگ را برابر می‌سازد. در نتیجه، جان و دل شعله‌ور خواهند شد تا با نور عشق (אהבה, ahavah) بتابند؛ «با همهٔ جانت»، به‌راستی، تا از محدودهٔ عوالم بیرون روند، چنان‌که نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم [جز تو؟] و در زمین، جز تو، هیچ نمی‌خواهم؛ جسمم و دلم مشتاق‌اند.»

וזהו ואהבת את ה' אלהיך כי אהבה משרש אבה שהוא מלשון חפץ ורצון.

این است [معنای] «ה' را که Elokim دوست دوست بدار»: زیرا عشق (אהבה, ahavah) از ریشهٔ אבה (avah)، به معنای خواستن و اراده‌کردن، می‌آید.

דהיינו רעותא דלבא שיהי' [שיהיה] ה' אלהיך ולדבקה בו ממש וע"י אתערותא דלתתא זו יחול עליו אור האהבה מלמעלה להגדיל מדורת אש האהבה בלבו יותר מכדי כח אנושי ושרש נשמתו שהיא בגדר וגבול ונברא

یعنی خواستِ دل (רעותא דلبא, re'usa d'liba) این باشد که ה' «Elokim تو» باشد و بهراستی به او بچسبد. و از راه این برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata)، نورِ عشق از بالا بر او قرار خواهد گرفت تا آتشِ عشق را در دلش برافروزد و آن را فراتر از اندازهٔ توان انسانی و [از] ریشهٔ جاننش، که محدود و آفریده است، بزرگتر سازد،

לקרבה אל ה' ממש וביטול אליו במציאות ממש ע"י בחינת אהרן כהנא רבא

تا بهراستی به ה' نزدیک شود و در مقامِ واقع، در برابر او خودنهی‌گری (ביטול, bittul) کند، از راهِ مرتبهٔ هارون (אהרן, Aharon)، کاهنِ اعظم.

כי ואהבת בגמטריא ב' פעמים אור ונקרא' [ונקראת] בחינה זו בהטיבו שמטוב וחסד עליון משפיע על רוח שפלים להטיב ולהגדיל את האהבה שלמטה.

زیرا ارزشِ عددیِ **واہبت** (ve-ahavta، «دوست بدار») دو برابرِ **اور** (or، «نور») است. و این مرتبه «هنگام نیکوکردن» (בהטיבו, be-heitivo) نامیده می‌شود، زیرا از نیکیِ برین (טוב, tuv) و مهر (חסד, Chesed)، بر رُوحِ فروتنان می‌بخشد تا عشقِ پایین را نیکو و بزرگتر سازد.

אך הנה באמת גם אתערותא דלתתא כנ"ל אשר יחפוץ האדם לדבקה בו ממש גם זאת מתת אלהים היא לא לפי כח נפש האדם ומזגו ותכונתו

اما در حقیقت، حتی برانگیختگی از پایین، چنان‌که [در بالا] گفته شد، یعنی اینکه شخص بخواهد بهراستی به او بچسبد، این نیز موهبتی از جانبِ ه' است؛ نه متناسب با توانِ جانِ شخص، خُلق و خو و سرشتِ او.

ונקרא' [ונקראת] בחינת ובהעלות אהרן שאהרן העליון הוא הנותן כח בכנסת ישראל לעורר את האהבה זו.

و این مرتبه «و هنگامی که هارون برافروزد» (ובהעלות, be-haalos) نامیده می‌شود، زیرا هارونِ برین است که به جماعتِ اسرائیل (כנסת ישראל, Knesses Yisrael) توان می‌بخشد تا این عشق را برانگیزند.

וזהו בין הערבים שהוא מדת ערב ולילה וחשך מצד עצמו שאין בו אור. אבל מדת בוקר שהוא מדת אברהם איש החסד כמ"ש וישכם אברהם בבקר הוא בחינת בהטיבו.

این همان «هنگام شام» است؛ شام و شب و تاریکی، که در ذات خود نوری ندارد. اما صفت صبح، که صفت ابراهیم (آברהם، Avraham)، مرد مهر، است – چنانکه نوشته شده: «و ابراهیم بامدادان زود برخاست» – مرتبةً «هنگام نیکوکردن» است.

(ועמ"ש לקמן בד"ה רני ושמחי בענין רננא ברמשא ושמחה בצפרא) והנה מי זה האדם שיגיע עד הלום שיגיע אליו בחי' אהרן העליון. אך הוא ע"י תורה ומצות.

(و بنگرید به آنچه در ادامه، در مقاله (ماמר, maamar) با عنوان «سرود بخوان و شادمان باش»، دربارهٔ «سرود در شامگاه و شادی در بامداد» نوشته شده است.) اکنون، این شخص کیست که تا اینجا برسد، تا مرتبه (בחינה, bechinah) هارون (אהרן, Aharon) فوقانی به او برسد؟ اما این از طریق تورات (תורה, Torah) و فرمان‌ها (מצות, mitzvos) است.

כי נר מצוה שהמצות נמשכין ממקום גבוה מאד נעלה. ולפיכך אין בהם השגה כלל כמשל השמן הנ"ל שאין נכנסים בפנימיות נפשם רק בבחי' מקיף עליהם מלמעלה

زیرا «فرمان (מצוה, mitzvah) چراغی است»؛ چراکه فرمان‌ها (מצות) از جایگاهی بسیار بلند و والا سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، هیچ درکی از آن‌ها حاصل نمی‌شود؛ مانند تمثیل روغن که پیش‌تر آمد: آن‌ها به بُعد درونیِ جانیشان (پنیمיות, pnimiyus) وارد نمی‌شوند، بلکه تنها همچون چیزی از بالا آن‌ها را فرا می‌گیرند،

כמ"ש שום תשים עליך מלך כמו מלך המושל על עמו והוא גבוה עליהם והם עושין רצונו בלי טעם ודעת כי מצות המלך היא ולב מלכים אין חקר ההשגה שבעבורם נצטוו

چنانکه نوشته شده است: «حتماً پادشاهی بر خود بگمار»؛ مانند پادشاهی که بر قوم خود فرمان می‌راند و از آنان برتر است، و آنان بی‌آنکه دلیل یا فهمی داشته باشند، خواست او را انجام می‌دهند، زیرا فرمان پادشاه است؛ و «دل پادشاهان را نمی‌توان کاوید»: [همین‌گونه است] فهم علت‌هایی که فرمان‌ها به سبب آن‌ها صادر شده‌اند.

רק מ"מ הוא ע"ד משל כאדם שתופס את המלך באחד מאבריו וממשיכו אליו הנה גם חיותו שבקרבו נמשך אחריו כך כתיב וימינו תחבקני.

بالاین حال، این به منزلهٔ تمثیل کسی است که پادشاه را از یکی از اندام‌هایش می‌گیرد و او را به سوی خود می‌کشد؛ نیروی حیات درون پادشاه نیز همراه او کشیده می‌شود. چنانکه نوشته شده است: «و دست راست او مرا در آغوش می‌گیرد.»

כי הנה רמ"ח מ"ע [מצות עשה] הם רמ"ח אברין דמלכא וע"י המשכת המצות ממילא נמשך אחריו בחי' יחודו ית' בעצמו ובכבודו בבחינת יחודו כנ"ל:

זیرא ۲۴۸ فرمانِ ایجابی، ۲۴۸ اندامِ پادشاه‌اند؛ و با فرودآوردنِ فرمان‌ها، مرتبۀ یگانگی او، که مبارک باد، خودبه‌خود در ذات و جلالِ خویش نیز به‌دنبال آن کشیده می‌شود، در مرتبۀ یگانگی او، چنان‌که [در بالا توضیح داده شد].



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/3/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک